

Hobbsaw, Eric John 2012-1817
 ۲۰۱۲-۱۸۱۷
 ۲۶۲۱
 ۵۱۹۱x ۵۱۹۱
 ۲-۷۵۰-۷۰۲-۲۹۶-۸۷۶
 The age of reason
 ۲۶۲۱
 ۲۶۲۱

عصر انقلاب

اروپا در ۱۷۸۹-۱۸۴۸

اریک جان هابسبام

ترجمه‌ی علی اکبر مهدیان و اشکان صالحی

اشکان صالحی
 مهر ۱۳۹۶



نشر اختران

۶۸۷۱-۸۲۸۱ یا لیون: نیلقندا محمد

ولسبیله ۲۰۱۰: مقبوله
 لیون: مقبوله
 ۷۶۶۱ یا واپس

۰۰۰۶۶۶
 مقبوله

www.instagram.com/akhtarpub
 www.akhtarpub.ir
 info@akhtarpub.ir



نشر اختران

فهرست مطالب

۱۵	پیش‌گفتار.....
۱۷	مقدمه.....
پاره‌ی اول: تحولات	
۲۳	فصل یکم: جهان در دهه‌ی ۱۷۸۰.....
۴۷	فصل دوم: انقلاب صنعتی.....
۷۷	فصل سوم: انقلاب فرانسه.....
۱۰۵	فصل چهارم: جنگ.....
۱۳۱	فصل پنجم: صلح.....
۱۴۳	فصل ششم: انقلاب‌ها.....
۱۶۹	فصل هفتم: ملی‌گرایی.....
پاره‌ی دوم: نتایج	
۲۵۱	فصل هشتم: زمین.....
۲۷۳	فصل نهم: به‌سوی جهانی صنعتی.....
۲۹۱	فصل دهم: گشودگی مشاغل به‌روی استعدادها.....
۳۱۳	فصل یازدهم: فقرای زحمتکش.....
۳۳۳	فصل دوازدهم: ایدئولوژی دینی.....
۳۵۳	فصل سیزدهم: ایدئولوژی سکولار.....
۳۷۵	فصل چهاردهم: هنر.....
۴۰۳	فصل پانزدهم: علم.....
۴۲۵	فصل شانزدهم: نتیجه‌گیری: به‌سوی ۱۸۴۸.....
۴۳۹	نقشه‌ها.....
۴۵۱	پی‌نوشت‌ها.....
۴۶۱	نمایه.....

۱۸. بندگوار کارخانه‌ها، پراپر (عکس: مجموعه ماسل)

۱۹. سری کاب کولتون (عکس: گالری پارکر)

۲۰. خیابان جرج لین، سنت جابلز، لندن (عکس: راندر لایمر، خانگی فیلم هولتون)

پیش‌گفتار

این کتاب دگرگونی جهان را در فاصله‌ی سال ۱۷۸۹ و ۱۸۴۸ پی می‌گیرد اما تا جایی که سبب‌ساز آن انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و هم‌زمان با آن انقلاب صنعتی (انگلستان) باشد که آن‌ها را انقلاب دوگانه می‌خوانیم. پس این کتاب نه دقیقاً تاریخ اروپا است نه تاریخ جهان. تا آن‌جا که کشوری از پیامدهای انقلاب دوگانه در این دوره متأثر شده باشد کوشیده‌ام هرچند اغلب به‌اجمال بدان اشاره کنم. چنان‌چه تأثیر انقلاب بر کشوری در این دوره جزئی بوده است آن را از قلم انداخته‌ام. بدین ترتیب خواننده در این کتاب نکاتی را درباره‌ی مصر می‌یابد اما درباره‌ی ژاپن نه؛ درباره‌ی ایرلند بیش از بلغارستان و درباره‌ی آمریکای لاتین بیش از آفریقا. طبعاً این بدان معنا نیست که تاریخ کشورها و مردمانی که در این کتاب نادیده گرفته شده‌اند از آن‌هایی که ذکرشان رفته است جذابیت یا اهمیتی کم‌تر دارد. اگر دیدگاه کتاب عمدتاً اروپایی یا به‌عبارت دقیق‌تر فرانسوی-بریتانیایی است علت آن است که جهان - یا دست‌کم بخش اعظم آن - در این دوره از تاریخ بر مبنای اروپایی یا بهتر بگوییم بر مبنای فرانسوی-بریتانیایی دگرگون شد. باین‌حال برخی از مباحث که به‌حق سزاوار بررسی مفصل‌تری بودند نیز کنار گذاشته شده‌اند نه فقط به‌سبب کمبود جا بلکه چون (مانند تاریخ ایالات متحده‌ی آمریکا) در مجلدات دیگر این مجموعه به‌تفصیل بدان‌ها پرداخته شده است.

هدف این کتاب روایت تفصیلی وقایع نیست بلکه تفسیر یا به‌قول فرانسوی‌ها عوام‌فهم‌کردن سطح‌بالا^۱ است. خواننده‌ی ایده‌آل این کتاب عبارت است از آن برساخته‌ی نظری یعنی شهروند هوشمند و فرهیخته‌ای که نه فقط در مورد گذشته کنجکاو است بلکه می‌خواهد بفهمد چگونه و چرا جهان به‌شکل امروزی درآمده و به کجا می‌رود. بنابراین سنگین‌کردن متن با مطالب تخصصی که باید به کار افراد فرهیخته‌تر بیاید فضل‌فروشانه و نامطلوب است. از همین‌رو یادداشت‌های من تقریباً به‌طور کامل اشاره دارد به منابعی چون نقل‌قول‌ها و آمار و ارقام واقعی یا در مواردی به مرجعیت اظهاراتی که مشخصاً مورد مناقشه یا مایه‌ی تعجب است.

باین‌حال فقط بجا است سخنی گفته شود درباره‌ی مواد و مصالحی که کتابی بسیار

پردامنه مانند این کتاب بر آن استوار شده است. همه‌ی تاریخ‌نگاران در برخی از حوزه‌ها خیره‌تر (یا به عبارت دیگر جاهل‌تر) از حوزه‌هایی دیگرند. آن‌ها خارج از حیطه‌ای تنگ ناگزیرند عمدتاً به کار مورخان دیگر تکیه کنند. برای دوره‌ی ۱۷۸۹ تا ۱۸۴۸ این متون فرعی به‌تنهایی توده‌ای چنان گسترده از مطالب چاپی را تشکیل می‌دهند که از دانش هر فردی فراتر است حتا کسی که قادر به خواندن به همه‌ی زبان‌هایی باشد که این متون در آن‌ها نوشته شده‌اند. (درواقع بدیهی است که تسلط همه‌ی مورخان حداکثر محدود به چند زبان است). بنابراین بخش عمده‌ی این کتاب دست‌دوم یا حتا دست‌سوم است و لاجرم حاوی خطاها و نیز اختصارهایی اجتناب‌ناپذیر که فرد متخصص بر آن‌ها افسوس خواهد خورد چنان‌که نگارنده افسوس می‌خورد.

گرچه شبکه‌ی تاریخ را نمی‌توان بدون ضایع کردن آن شکافت و رشته‌شده کرد اما تقسیم کردن موضوع به قسمت‌های فرعی تا حدودی برای مقاصد عملی کتاب ضروری است. کوشیده‌ام کتاب را به‌گونه‌ای بسیار سردستی به دو بخش تقسیم کنم. در پاره‌ی اول به‌طور کلی تحولات عمده‌ی دوره را بررسی می‌کنم و در پاره‌ی دوم به ترسیم آن نوع جامعه‌ای می‌پردازم که مولود انقلاب دوگانه است. با این حال همپوشانی‌هایی عمدی وجود دارد و این تمایز نه امری نظری بلکه صرفاً برای سهولت کار است.

باید تشکر کنم از افراد گوناگونی که درباره‌ی جنبه‌های مختلف این کتاب با آن‌ها بحث کرده‌ام یا فصولی را به‌شکل پیش‌نویس یا نمونه‌ی چاپی خوانده‌اند و با این حال مسئول خطاهای من نیستند؛ خصوصاً از ج. د. برنال، داگلاس دیکن، ارنست فیشر، فرانسیس هسکل، ه. گ. کونینگسبرگر و ر. ف. لسلی. فصل ۱۴ خصوصاً بسیار مرهون آرای ارنست فیشر است. خانم پ. رالف در مقام منشی و دستیار پژوهش کمک شایانی به من کرد و استخراج نمایه نیز کار خانم ا. میسون بود.

اریک جان هابسبام

لندن، دسامبر ۱۹۶۱

مقدمه

کلمات گواه‌هایی‌اند غالباً گویاتر از اسناد. چند کلمه‌ی انگلیسی را ملاحظه کنیم که اساساً در دوره‌ی شصت‌ساله‌ی مورد بررسی این کتاب ابداع شدند یا معانی مدرن‌شان را یافتند. این کلمات از جمله عبارت‌اند از «صنعت»، «صاحب‌صنعت»، «کارخانه»، «طبقه‌ی متوسط»، «طبقه‌ی کارگر»، «سرمایه‌داری» و «سوسیالیسم». نیز چنین است «اشراف‌سالاری»، «خط‌آهن»، دو اصطلاح سیاسی «لیبرال» و «محافظه‌کار»، «ملیت»، «دانشمند» و «مهندس»، «پرولتاریا» و «بحران» (اقتصادی). کلمات «فایده‌باور» و «آمار»، «جامعه‌شناسی» و چندین و چند نام دیگر برای علوم مدرن، «روزنامه‌نگاری» و «ایدئولوژی» نیز جملگی نواژه‌ها یا اقتباس‌های این دوره‌اند.^۱ «اعتصاب» و «فقر» هم از جمله‌ی همین کلمات‌اند.

برای پی‌بردن به عمق انقلابی که در فاصله‌ی ۱۷۸۹ تا ۱۸۴۸ رخ داد و بزرگ‌ترین دگرگونی تاریخ بشر از گذشته‌های دور یعنی از زمان ابداع کشاورزی و فلزشناسی و نوشتار و شهر و دولت است باید جهان مدرن را بدون این کلمات تصور کرد (یعنی بدون چیزها و مفاهیمی که این کلمات برای‌شان نامی فراهم می‌آورند). این انقلاب تمام جهان را دگرگون کرده و هنوز هم دگرگون می‌کند. ولی در بررسی این انقلاب باید تمایزی دقیق قائل شویم میان نتایج درازمدتش که به هیچ‌گونه چارچوب اجتماعی یا سازمان سیاسی یا توزیع قدرت و منابع بین‌المللی محدود نمی‌شود و مرحله‌ی ابتدایی و سرنوشت‌سازش که با یک موقعیت خاص اجتماعی و بین‌المللی پیوند تنگاتنگ دارد. انقلاب بزرگ ۱۷۸۹-۱۸۴۸ پیروزی «صنعت» به‌معنای دقیق کلمه نبود بلکه پیروزی صنعت سرمایه‌دارانه بود؛ پیروزی آزادی و برابری به‌طور کلی نبود بلکه پیروزی طبقه‌ی متوسط یا جامعه‌ی لیبرال «بورژوازی» بود؛ پیروزی «اقتصاد جدید» یا «دولت جدید» نبود بلکه پیروزی اقتصادها و دولت‌های منطقه‌ی جغرافیایی خاصی از جهان (بخشی از اروپا و چند تکه از آمریکای شمالی) بود که مرکز دولت‌های همسایه و رقیب بریتانیای کبیر و

۱. اکثر این کلمات یا رواج بین‌المللی دارند یا تقریباً تحت‌اللفظی به زبان‌های گوناگون ترجمه شده‌اند. لذا «سوسیالیسم» یا «روزنامه‌نگاری» تقریباً بین‌المللی است حال آن‌که ترکیب «راه‌آهن» (iron road) مینای نام خطوط آهن در همه‌جا مگر در کشور اصلی آن است.